



اشاره:

حضرت صدیقه طاهره، دخت پیامبر اکرم (ص) ستایشگران بی شمار دارد و از فضایل، مناقب و مقامات عالیه او ستایش‌های فراوانی شده است. دوست و دشمن، به کمال و عظمت او اعترافات کرده و جلالت شأن وی را ستوده‌اند. در این مجموعه قصد آن داریم تا ستایشها و ستایشگران بانوی آب و آینه را به منظر چشم شما آوریم.

امام حسن (علیه السلام) و ستایش فاطمه (علیها السلام)

دومین امام معصوم و صاحب مقام والای خلافت الهی، حضرت امام حسن مجتبی، اولین و بزرگترین فرزند حضرت زهراى مرضیه سلام الله علیها است. آن بزرگوار به داشتن چنین مادر گرانقدری مباهات میکرد، یاد وی را بر زبان میداشت و اوصاف الهام بخش او را به عنوان سرمشق برای دیگران ذکر میفرمود. چنان که گاهی مظلومیت بی نظیر و غیرقابل توصیف مادر گرانقدر خود را وصف مینمود و چون خود ناظر آن صحنه‌های دردناک بود قهراً با سوز و گداز از آن یاد میفرمود. به هر حال ما برای هر یک از این دو نوع، نمونه‌ای را ارایه میکنیم: همیشه در قلب منی قال الحسین (علیه السلام): «مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَأَنْتِ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا» (1)

یعنی: در دنیا عابدتر از فاطمه علیها السلام نبود؛ او همواره به عبادت میایستاد تا جایی که قدمهایش ورم میکرد. شیخ صدوق رضوان الله علیه از امام مجتبی (علیه السلام) نقل میکند که فرمود: «رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً جَمَعَتْهَا. فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصَّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ تَسْمِيَهُمْ وَ تَكْثُرُ الدَّعَاءُ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَّاهُ! لِمَ لَا تَدْعُونَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعُونَ لغيرك؟ فقالت: يا بَنَى الْبَحَارِ ثَم الدار.» (2)

مادر فاطمه سلام‌الله‌علیها را دیدم که در شب جمعه در محراب عبادت خویش به پا خاسته و نیایش میکرد. او همواره و بدون انقطاع، رکوع و سجود میکرد تا سپیده صبح آشکار گردید و من خود میشنیدم که برای اهل ایمان از مرد و زن دعا میکرد و هر کدام را اسم میبرد و برای آنان بسیار دعا مینمود اما برای خودش دعا نمیکرد و چیزی از خداوند درخواست نمینمود. من به حضور مادر عرضه داشتم: «ای مادر! چرا برای خویشتن دعا نمیکنی همان گونه که برای دیگران دعا میکنی؟» در پاسخ فرمود: «ای فرزند عزیزم! نخست باید همسایه را دید آن گاه خانه را.» یعنی همسایه برخانه و اهل خانه مقدم است. اکنون سزاوار است که در این نقل جالب از فرزند برومند زهرا علیها السلام در مورد او تأمل و اندیشه کرد. به راستی که این کودک چند ساله فاطمه سلام‌الله‌علیها چه نقل زیبا و روح بخشی دارد و چه خاطره جالب و پرباری را از مادر خود برای امت اسلامی و علاقه‌مندان اهل بیت و امامت بیان میکند.

امام حسن (علیه السلام) منظره بیداری و شب زنده داری فاطمه را بازگو میکند که این امر خود، حاکی از عزم راسخ اراده جازم در راه بندگی و عبودیت است و آنگاه از نمازهای مداوم و پی در پی ایشان سخت میگوید و رکوع و سجود مستمر او را یادآوری میکند.

در دنیا عابدتر از فاطمه علیها السلام نبود؛ او همواره به عبادت میایستاد تا جایی که قدمهایش ورم میکرد. همچنین از دعای مادر سخن میگوید؛ آن هم دعا برای دیگران، برای اهل ایمان، نه برای یک گروه خاص به طور مثال برای خصوص زنان یا در محدوده مردان، بلکه دعا برای مردان و زنان با ایمان.

و شگفت انگیز است دعا نکردن برای خود و خویشتن را به فراموشی سپردن، که این موضوع برای امام حسن‌علیه‌السلام سؤال برانگیز شده و ایشان را بر آن داشته تا علت دعا نکردن مادر برای خود را از او بپرسد و مادر در جواب فرزند آن سخن پر محتوا را تا ابد یادگار بگذارد که نخست باید به یاد دیگران بود، خود را فراموش کردن در این مواقع شاید ولی دیگران را از یاد بردن نشاید.

امام صادق (علیه السلام) در ستایش فاطمه (علیها السلام)

سخنان بسیاری از حضرت صادق (علیه السلام) پیرامون مادر گرانقدرشان حضرت زهرا نقل شده که در شناخت افراد، از حضرت زهرا نقش بسزایی دارد. ما در اینجا گوشه‌ای از این اخبار و مطالب را ذکر میکنیم:

1- از کلمات آن امام درباره حضرت زهرا این جمله است: «هِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى؟ وَ عَلَيَّ؟ مَعْرِفَتُهَا دَارَتْ الْقُرُونُ الْأُولَى؟» (3)

او صدیقه کبری و بزرگترین مظهر صدق، راستی و تصدیق به جهان ماورای ماده و عالم غیب است و حرکت و دور قرون گذشته بر (مدارا) معرفت فاطمه بوده است.

شایان توجه است که در اخبار و روایات از آن بانوی بهشتی به عنوان صدیقه، صدیقه طاهره و یا صدیقه کبری مکرراً اسم برده شده و خود این واژه، حاکی از شأن والا و مرتبه رفیع ایشان است.

اما جمله دوم، مطلب بدیع و تازه‌ای است که نکته‌ای ثمین و ارزشمند را در بر دارد و ظاهر آن، این است که فاطمه در نظام عالم هستی و بقای جهان طبیعت، اثر مستقیم دارد و در این جمله دو احتمال است:

الف: در ادوار گذشته نیز هم کسانی بوده‌اند که به مقام منیع فاطمه، معرفت داشته‌اند و به برکت معرفت همان اشخاص و بر محور شناخت او قرون اولیه به حرکت خود ادامه داده است. و بر این اساس باید گفت که شایسته ترین افراد به معرفت فاطمه، انبیای عظام، سُفرای آسمانی و اوصیای گرامی آنان هستند.

ب: قرنهای گذشته بر محور معرفت فاطمه دَوَران داشته است، یعنی از آنجا با گذشت قرنهای مدید جوامع بعدی به تدریج زهرا را میشناسند و به مقام رفیع و پایگاه بلند او پی میبرند، از این رو قرون اولی و زمانهای گذشته گردش کردند و نظام هستی به حرکت خود ادامه داد تا علت غایی و هدف نهایی - که همان معرفت حضرت زهراست - حاصل گردد. و در هر حال، اوج مقام حضرت زهرا و تأثیرگذاری وی در خلقت مخلوقات، بقای موجودات و ولایت تکوینی او را اثبات میکند.

2- سکونی میگوید: روزی با غصه و نگرانی نزد حضرت صادق (علیه السلام) رفتم. حضرت فرمود: «چرا ناراحتی؟» گفتم: «دختر دار شده‌ام» فرمود: «سنگینی او بر زمین است و روزی او بر عهده خداوند! از مدت عمر تو کم نمیکند و از روزی تو نمیخورد. (پس برای چه ناراحتی)» سکونی میگوید: «با بیانات امام صادق (علیه السلام) غم و اندوه من زایل گردیده و مرتفع شد.» سپس امام فرمود: «چه نامی برای او انتخاب کرده‌ای؟» عرض کردم: «فاطمه» امام صادق فرمود: «آه آه!» و سپس دست خود را بر پیشانیاش نهاد و بعد فرمود: **«أَمَّا إِذَا سَمَّيْتَهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسُبُّهَا وَلَا تَلْعِنُهَا وَلَا تَضْرِبُهَا»** (6) اکنون که نام او را فاطمه گذاشتی هیچگاه به او بدگویی و لعن مکن و او را کتک مزنی!

در این روایت، از جهت بحثی که ما دنبال میکنیم، سه نکته مورد توجه است:

الف. امام تا اسم فاطمه را شنیدند، دو بار آه کشیدند. و این حاکی از آن است که ایشان با شنیدن اسم کودک و نام فاطمه، مصائب عظیم و درد و رنج مادرش حضرت زهرا را به یاد آورد و حوادث تلخ که برای آن بانوی دوسرا پیش آمد برایشان تداعی شد و از شدت مصیبت آه کشیده و اظهار تأثر و ناراحتی نمودند.

ب. دست را به پیشانی مبارک خود گذاشتند. این حالت، نمودار عارض شدن یک اندیشه ناراحت کننده و یک تأثر عمیق بوده که گویا فکر و نگرانی او را فراگرفته و تأثر عمیقی بر وی عارض گردیده است و اینها همه از عظمت و جلال حضرت زهرا حکایت دارد؛ زهرای طاهره، صاحب آن مقامات بلند است که مصیبتش بعد از چند نسل هنوز نگرانی آفرین، اندوه زا و غصه آور است.

ج. سفارش مخصوص به سکونی در مورد آن کودک؛ خصوصاً با لحاظ صدر جمله که فرمود: «اکنون که او را فاطمه نامیده‌ای به او بدگویی مکن و مبادا او را کتک بزنی.» این توصیه با وجود آن که میدانیم ضرب و شتم دیگر کودکان نیز روا نیست. حاکی از شدت قبح این اعمال در مورد کودک فاطمه نام است و این خود، از لزوم مراعات احترام خاص نسبت به حضرت فاطمه زهرا حکایت میکند. ما از این سفارش امام صادق در مییابیم که نه تنها خود حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا عزیز و ارجمند است که نام او هم محترم است و هم نام او نیز قداست و جایگاه مخصوص به خود دارد.

3- حضرت صادق (علیه السلام) میفرماید: «برای فاطمه در نزد خدای عزوجل، نُه اسم است: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، زهرا»، سپس فرمود: «میدانی فاطمه یعنی چه؟» فرمود: «او از شرّ، دور و بریده شده است.»

سپس فرمودند: **«لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُّوٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَفَمَنْ دُونَهُ»**

(3)؛ اگر وجود مبارک امیرالمؤمنین نبود، برای ایشان تا روز قیامت کفو و همتایی از آدم تا اعقاب او پیدا نمیشد». در این حدیث اولاً برای فاطمه اسامی متعدد ذکر کردند و این نکته را ضمیمه آن مطالب میکنیم که «كَثْرَةُ الْأَسْمَاءِ تَذُلُّ عَلَى كَثْرَةِ الْمَعَانِي»، یعنی اسمهای متعدد و فراوان بر کثرت معانی دلالت میکند؛ پس هر یک از این اسمهای مبارک بر بُعدی از ابعاد گوناگون شخصیت والای حضرت زهرا دلالت میکند.

و ثانیاً امام (علیه السلام) از راوی خبر میپرسند که میدانی تفسیر فاطمه چیست؟ و بعد خود بیان میکنند که چون ایشان از شر و بدی بریده شده و جدا بود بدین اسم نامگذاری شد.

و در آخر، بیان فرمودند این علی (علیه السلام) بود که لایق شأن فاطمه و کفو، همسر و همتای او بود و اگر وجود نازنین آن حضرت نبود از آدم و فرزندان او تا روز قیامت کفو و همتایی برای فاطمه پیدا نمیشد.

4- مفضل از اصحاب امام صادق (علیه السلام) میگوید، به آن حضرت گفتم: «مرا از فرموده رسول خدا در باره فاطمه که فرموده‌اند او سیده نساء عالمین است خبر ده که آیا ایشان سیده زنان هم عصر خودش است؟» فرمودند: «آن مریم است که سیده بانوان هم عصر خودش است اما فاطمه، سیده بانوان عالمیان از اولین تا آخرین است.» (7)

در این حدیث شریف، امام صادق (علیه السلام) بین حضرت مریم و حضرت زهرا مقایسه‌ای انجام داده و وجه اشتراک و امتیازی را بیان مینمایند.

وجه اشتراک و قدر جامع بین آن دو این است که هر دو سیده زنان عالمند ولی وجه امتیاز، این است که مریم سیده زنان عالم خودش بود ولی فاطمه سلام الله علیها سیده زنان جهان از اولین تا آخرین است و در حقیقت باید گفت: این کجا و آن کجا؟!

میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است.

5- کلینی رضوان الله علیه نقل کرده که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: «لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَفَاطِمَةُ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ»، اگر خداوند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را برای فاطمه نمیآفرید برای او همتایی در زمین نبود.» (8)

گویا خداوند، حضرت علی (علیه السلام) را به خاطر فاطمه و برای اینکه ایشان مانند و هم طرازی داشته باشد تا به ازدواج او در بیاید آفرید وگرنه فاطمه بیکفو و همتا میماند.

6- شیخ صدوق نقل کرده که از امام صادق علیه السلام در مورد فرموده خدای عزّ و جلّ: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»؛ پرسش شد که این ذکر کثیر چیست؟ حضرت فرمود: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ الذِّكْرَ الْكَثِيرَ» (9)

در این کلام نورانی، امام صادق (علیه السلام) ذکر کثیر را - که در قرآن کریم آمده است - تبیین کرده و بیان نموده‌اند تسبیح فاطمه زهرا مصداق مسلم آن است؛ اگر مصادیق دیگر هم داشته باشد، این یکی به طور مسلم مصداق است و کسی که آن ذکر را بگوید امر خداوند متعال را (که میفرماید خدا را ذکر کنید) عملی کرده است.

7- شیخ کلینی رضوان الله علیه نقل کرده که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: «هَمَانَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ» بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله هفتاد و پنج روز زنده ماند و در فراق پدرش حزن و اندوهی شدید بر او عارض و در دلش وارد شده بود.»

«و كَانَ يَأْتِيهَا جَبْرِئِيلُ فَيَحْسِنُ عَزَاءَهَا ابِيهَا وَيَطَيِّبُ نَفْسَهَا وَيُخْبِرُهَا عَنْ ابِيهَا وَ مَكَانِهِ وَ يَخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ كَانَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَكْتُبُ ذَلِكَ، جَبْرِئِيلُ فِي أَيْنَ مَدَّتْ بِهِ نَزْدَ فَاطِمَةَ مَيَّامِدَ وَ أَوْ رَا بِرَ عَزَا وَ مَصِيبَتِ

پدرش تسلیت میداد و نوازش میکرد و روح او را آرامش میبخشید؛ به او از پدرش و مکان ایشان و نیز از حوادث و پیشامدهایی که بعد از او درباره ذریه اش انجام میشود آگاهی و اطلاع میداد. حضرت علی (علیه السلام) این مطالب را مینوشت و ثبت و ضبط میکرد». (10)

این نقل بسیار ارزنده، قابل توجه و مایه سرفرازی شیعه است؛ زیرا همه میدانیم با وفات پیامبر خدا، آمدن فرشته وحی، جبرئیل بر فاطمه طاهره نازل میشد و از سبک عبارت، کاملاً برداشت میشود که این مطلب به صورت اتفاقی یا تصادفی نبوده بلکه به طور مکرر و مستمر انجام میشده است.

در ضمن، نزول جبرئیل برای چند امر بوده است:

الف – برای تسلیت قلب داغدار فاطمه، و نوازش او و ایجاد آرامش و نشاط در روح آزرده شده حضرت زهرا سلام الله علیها.

ب – چون بیشتر از فراق پدر، رنج میبرد خبرهایی در مورد پدر بزرگوارش نیز به او میداد و او را از جایگاه و مکان آن حضرت در بهشت، مطلع میساخت.

ج – او را از حوادث آینده و آنچه که بر سر فرزندان و ذریه طاهره اش خواهد آمد آگاه میکرد.

د – حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تمام مطالبی را که میان جبرئیل و حضرت زهرا میگذشت یادداشت کرده و مینوشت و این حاکی از کمال اهمیت آن مطالب است که حضرت علی (علیه السلام) برای صیانت و حفاظت، آنها را مینوشتند و این همان «صحیفه فاطمیه» است که در دست مقدس امامت نگهداری میشود و چه بسا مورد استفاده آن بزرگواران و از جمله حضرت بقیه الله در این زمان باشد.

تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

شیخ صدوق پیرامون تسبیحات حضرت زهرا سه روایت شریفه را از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که هر کدام از آنها حاوی سخنی پرفروغ و سازنده از ایشان در مورد آن بانوی جهانیان است:

1- ابوهارون مکفوف (نابینا) میگوید: حضرت صادق (علیه السلام) به حق فرمود: «یا اباهارون! انا نأمر صبیاننا

بتسبیح الزهراء علیها السلام کم نأمرهم بالصلاة فالزمه فانه لم یلزمه عبد فیتنقی؛ ای اباهارون! همانا که ما

همان گونه که کودکان خود را به نماز امر میکنیم به تسبیح زهرا علیها السلام نیز امر کرده و وادار مینماییم. پس همواره بر آن مواظبت کن و ترک منما؛ زیرا هیچ بندهای بر آن مواظبت نمیکند که بعد دچار بیچارگی، پریشانی و دوری از سعادت شود». (14) (حتماً نتیجه آن سعادت انسان است).

2- ابو خالد قماط میگوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود: «تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز و بعد از هر نماز نزد من محبوبتر از هزار رکعت نماز (مستحبی) در هر روز است». (15)

3- عبدالله بن سنان میگوید: حضرت صادق فرمود: «کسی که بعد از نماز فریضه و پیش از حرکت دادن پاهای خود، تسبیحات فاطمه علیها السلام را بخواند، خداوند او را میآمرزد و آغاز این تسبیحات، تکبیر است». (16)

پی نوشت ها:

- 1- بحارالانوار، ج 43، ص 76
- 2- علل الشرایع، ص 71، چاپ الخیر، ص 244
- 3 - بحارالانوار، ج 43، ص 105
- 4 - کافی، ج 6، ص 68، باب حق الاولاد
- 5- بحارالانوار، ج 43، ص 10؛ نقل از خصال صدوق
- 6 - بحارالانوار، ج 43، ص 26، از معانی الاخبار
- 7- کافی، ج 1، ص 461
- 8- سوره ی احزاب، آیه ی 42
- 9- معانی الاخبار، ص 193
- 10- کافی، ج 1، ص 458
- 11- دلائل الامامة طبری، ص 45
- 12- کافی، ج 1، ص 459
- 13- علل الشرایع، ص 185
- 14- ثواب الاعمال صدوق، ص 196
- 15- همان
- 16- همان